

عطاءالله مهاجرانی در گفت‌وگو با «ایران» از چگونگی تثبیت دستاوردهای جنگ می‌گوید

«تاب‌آوری» باید به یک فرهنگ متکی بر ایمان، امید و آرمان تبدیل شود

مردم متوجه شدند هویت، تمدن و فرهنگ ایرانی در مخاطره است

گفت‌وگو

گروه سیاسی

عطاءالله مهاجرانی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با «ایران» با تبیین سه سطح تاب‌آوری نظامی، اجتماعی و سیاسی ایران در «جنگ چهل روزه»، آن را حاصل نیم قرن استقرار نظام جمهوری اسلامی و فراتر از مفاهیم مرسوم «مقاومت» دانست و تأکید کرد: «تاب‌آوری به معنای تثبیت مقاومت و تبدیل آن به یک فرهنگ پایدار ملی است به طوری که امروز ایران به نقطه‌ای رسیده که دشمنان دیگر حتی خیال حمله به آن را هم نمی‌توانند در سر ببروراندند.» مهاجرانی با اشاره به خاطره‌ای از شهید آیت‌الله خامنه‌ای در آبان ۱۳۵۹ و پیش‌بینی ایشان درباره آینده دفاعی ایران، گفت: «اما امروز به همان نقطه‌ای رسیدیم که ایشان وعده‌اش را داده بودند.» وی ارگان تاب‌آوری نظامی را شامل صنعت موشک‌های بالستیک، پهپادهای شاهد، سامانه‌های پدافند هوایی موفق در شکار جنگنده‌های MQ-4C Triton و همچنین شکست عملیات نیروهای دلنای آمریکا در اصفهان برشمرد. مهاجرانی در تحلیل تاب‌آوری اجتماعی، آن را ناشی از «هویت اساطیری» ملت ایران درک خطر تجزیه کشور از سوی دشمنان دانست و گفت: «مردم ایران فهمیدند که ایران در خطر است، به همین دلیل برخلاف دیگر کشورهای منطقه، نه تنها نگریند، بلکه بسیاری به ایران بازگشتند.» وی همچنین تاب‌آوری سیستم سیاسی را محصول نهادینه شدن نظام دانست و با اشاره به پیش‌بینی‌های تاردرست براندازان درباره فروپاشی جمهوری اسلامی، تأکید کرد که «نهادها را نمی‌توان ترسورد کرد». مهاجرانی در پایان، حفظ این تاب‌آوری را نیازمند پرهیز از دوگانه‌سازی‌های دشمن، جهاد علمی و تبدیل تاب‌آوری به «ملکه و شیوه زندگی ملی» دانست.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

نظامی شروع کنیم. این تاب‌آوری در زمینه نظامی را چگونه دیدید و آن را ناشی از چه می‌دانید؟
به نظر من شایسته است ابتدا تعریفی از تاب‌آوری داشته باشیم. شاید بتوان تفاوت بین مقاومت و تاب‌آوری را تعریف کرد. چنانکه در زبان عربی «مقاومت» با «صمود» متفاوت است. در زبان انگلیسی هم بین Resistance و Resilience یعنی تاب‌آوری، تفاوت وجود دارد. در مقاومت، ما در برابر نیروی خارجی می‌کوشیم که ما را از خانه‌اش اخراج کند یا نظام حکومتی کشوری را براندازد. ما در برابر اینها مقاومت می‌کنیم، اما تاب‌آوری در مرحله بالاتری قرار دارد. به این معناست که ما چگونه مقاومت را تثبیت کنیم. تثبیت و استقرار مقاومت که با استقامت امکان‌پذیر است، تاب‌آوری نام دارد. تاب‌آوری هنگامی به‌والاتی خود می‌رسد که دیگر دشمن در خیال برانداختن ما نباشد. من این‌خاطر را می‌توانم به عنوان بنیان پاسخ مطرح کنم. در آبان ماه سال ۱۳۵۹ و یک هفته پس از سقوط خرمشهر، در کمیسیون دفاع مجلس دوره اول به ریاست شهید امام خامنه‌ای جلسه کمیسیون برقرار بود. نمایندگان آبادان و خرمشهر به کمیسیون آمده بودند. بی‌تاب بودند. آقایان یونس محمدی و رشیدیان و کیاش - همگی مرحوم شده‌اند- بغض کرده بودند. خرمشهر سقوط کرده بود. آبادان در محاصره بود. جوانان خرمشهر ۳۵ روز مقاومت کردند و تاب آورده بودند. اما در برابر تهاجم هشت لشکر مجهز عراقی با حمایت آمریکا و کشورهای عربی منطقه، بدیهی بود که مقاومت شکست می‌شد. ما حتی اسلحه کلاشنیکف به اندازه نیاز جوانان نداشتیم که برای خرمشهر بفرستیم. در فضای فرتاهپ و پریشانی نمایندگان، آیت‌الله خامنه‌ای با همان آرامشی که همیشه در سخنانش می‌دیدیم، با همان طمأنینه گفتند: «بله دشمن آماده بود. با هشت لشکر به سمت خرمشهر و آبادان آمد. ما در آینده به نقطه‌ای خواهیم رسید که دشمنان ما دیگر خیال حمله به ایران را نکنند. الان ما به همان نقطه رسیده‌ایم. به بخش اول پرسش شما بازگردم. اینکه ما از زاویه نظامی چگونه تاب آورده‌ایم را در چند میبحث می‌توان بررسی کرد: ۱- صنعت ساخت موشک‌های بالستیک ایران با نوعی که دارد، از جمله مهم‌ترین ارگان تاب‌آوری نظامی ما است. در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان ۴۰ روزه، سازمان هوا-فضای سیاه که میراث فرماندهان شهید تهرانی مقدم و حاجی‌زاده و همکاران شهید آنان است، با فرماندهی سید مجید موسوی نقطه‌زن، آن نقطه اوج تاب‌آوری نیروهای مسلح و حفظ ایران و انقلاب و نظام شده است. ۲- صنایع



نظام و ارگان آن با همه پرسشی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و انتخابات خیرگان قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات خیرگان رهبری است. وقتی نظامی از مرحله نهضت و تأسیس، گذر می‌کند و به مرحله استقرار می‌رسد تاب‌آوری پیدا می‌کند. «نهاد» تاب آور است. در حالی‌که افراد می‌توانند در صحنه نباشند. ما در جنگ ۱۲ روزه رئیس ستاد مشترک سردار محمد باقری و فرمانده کل سپاه سردار حسین سلامی و فرمانده قرارگاه خاتم سردار غلامعلی رشید و سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده سازمان هوا فضایی سپاه را از دست دادیم. امروز به روشنی می‌بینیم که حتی با شهادت سردار سید عبدالحجیم موسوی رئیس ستاد مشترک، سردار محمد پاکپور فرمانده کل سپاه، این نهادها پابرجا و پایدارند. برای اینکه مشترک نیروهای مسلح و یا نهاد نیروی هوای فضا سپاه را نمی‌توان ترسورد کرد.

دشمنان ما با عدم شناخت ماهیت و ساختار نهادها گمان می‌کردند با ترورها، ایران دوام نمی‌آورد. البته افرادی که نام و نشان ایرانی دارند و شاهنامه فردوسی سندن و بیانه تاریخ اساطیری ما نیز هست. رستم، پهلوان اساطیری ما گویی تمامی آمد و آرزو و شادمانی و نیز فشرده غم‌های ملت ماست. این پهلوان اساطیری اکنون به ماست. وقتی مهدی زاده می‌آید، یعنی منتهای تاب‌آوری. وقتی رسولی خوانند: «تو رستم تهمتتی، بزنی که خوب می‌زنی» نشانه‌ای است از ملتی که بیش از تاریخ است. وقتی ملتی قدر خود را شناخت؛ رنج‌ها و مصیبت‌ها را تاب می‌آورد و تحمل می‌کند. این بیت بسیار درخشان از منتضی است و اذا کانت النفوس کبارا تعبت فی فرائدها الاجسام؛ «وقتی روح، بزرگ منش و والااست؛ تن انسان با رنج رویارو می‌شود». مانند کوهنوردی که می‌خواهد به قله دماوند یا اورست برسد. بدیهی است که تن او می‌بایست تاب بیاورد تا بر قله پای بگذارد.

تاب‌آوری سیستم سیاسی و البته نظامی یاد یک تغییر تاب‌آوری نظام را هم در امتداد همین تاب‌آوری باید دانست؟
این محصول نزدیک به نیم قرن است. در انقلاب اسلامی به سرعت، حماسه حضور مردم ایران در طول جنگ رمضان و پس از آن، حیرت و تحسین بسیاری از ایران‌دوستان و تعجب و سردرگمی و غیظ دشمنان را برانگیخته است. در سطح اجتماعی این تاب‌آوری را تحلیل کنیم که چرا چنین اتفاقی افتاد؟
در تاریخ انقلاب و در تاریخ ایران یک کشورهای منطقه هیچ‌گاه شاهد حضور و انسجامی نبوده‌ایم. این انسجام و هم‌فکری هم نصاد بیرونی دارد که در میدان‌ها و خیابان‌های همه شهرهای بزرگ و کوچک ایران بویژه در تهران بزرگ شاهد آتیم. میدان

۱۶۸ دانش‌آموز دختر شهید شدند؛ ساکت بودند. منظوم این است برای تاب‌آوری ما بایست روایت اول را به دست بگیریم و با روایت‌های جعلی مبارزه کنیم.

خوشبختانه شاهد بودیم که در جنگ رمضان، در فضای مجازی به ویژه- توانستیم سخن خودمان را به گوش دنیا برسانیم. بازدیدهای میلیونی از توثیق‌های آقای قالیباف و دکتر عراقچی و شهید دکتر علی لاریجانی نشان داد که به تعبیر توماس فریدمن جهان هموار است و می‌توان سخن خود را به گوش جهان رساند. نکته بسیار مهم در حفاظت از تاب‌آوری پرهیز از بازی در زمین دشمنان ایران و اسلام و انقلاب و نظام است. بیش از چهار دهه است که دشمنان از طرح دوگانه یا چندگانه‌سازی در ساختار نظام جمهوری اسلامی و کشور ما استفاده کرده و می‌کنند. مأموریت آشکار برخی شبکه‌های تصویری مشخصاً مانند ایران اینترنشنال که به عنوان ابزار در اختیار دشمنان ایران است، همین بوده و هست. دوگانه‌سازی حکومت و ملت، دوگانه‌سازی دولت

کرده و میوه‌هایش در دسترس مردمان است، نظام تاب‌آوری خواهد داشت و می‌ماند.

بحث مهم‌ترین است که این تاب‌آوری را به عنوان یک دستاورد چگونه باید حفظ و تقویت کرد؟
باید ساختار آن، حفظ و تقویت آن است. چطور می‌شود این دستاوردها را حفظ کرد؟ چه مسئولیتی از این منظر بر دوش حاکمیت است؟

پرسش بسیار مهمی است! تاب‌آوری شهید امام خامنه‌ای به توانایی نظامی خود افزودیم و به نقطه‌ای رسیدیم که دشمنان را مهیوت کرده است، باید افق‌های بلندتر و بازراندگی حداکثری را به دست بیاوریم. باید دشمنان دیگر تصور و یا خیال حمله دیگری به ایران را در سر نداشته باشند. این تاب‌آوری به یک جهاد بزرگ علمی فنی و تکنیکی نیاز دارد. خوشبختانه ملت ایران و نسل نو توانایی و ظرفیتی بسیار داشته و دارند. از توانایی دانشمندان ایرانی مقیم خارج و حتی دانشمندان دیگر کشورها که در آمریکا و اروپا هستند، بایست استفاده کرد. چنانکه ایران و اروپا از چنین ظرفیتی جهان را در کشور خود جمع می‌کنند و در دیگ جوشان جامعه و فرهنگ خود هضم می‌کنند. در واقع تاب‌آوری بایستی به یک فرهنگ مستمر و پایدار تبدیل شود. حضور ملت ایران در صحنه بهترین نشانه چنین زمینه و زمانه و فرصت طلایی است.

اینکه ایرانی‌ها می‌توانند این تاب‌آوری را از خود بروز و ظهور دهند، دل‌پش چه می‌تواند باشد؟
یکی از نشانه‌های شناخت تاب‌آوری ملت ایران، توجه به اهداف تهاجم آمریکا و اسرائیل است. آنان به صراحت از تجزیه سرزمینی ایران و از تجزیه ملی ایران سخن گفته‌اند. ترامپ که از نابودی تمدن ایرانی و بازگشت ایران به عصر حجر سخن گفت؛ برای آمریکا و اسرائیل یک کشور تکه پاره شده و تقسیم شده به قومیت‌ها و بعداً بلعیدن هر تکه در حلقوم آمریکا و اسرائیل مهم‌ترین پروژه و هدف حمله بوده و هست. مردم ما متوجه شدند که ایران در خطر است. هویت و تمدن و فرهنگ ایرانی در مخاطره است. بدیهی است در این موقعیت، همه مردم با جان و دل و مال و توان در میدان حاضر می‌شوند. احساس می‌کنند گوهر تابان ایران در معرض شکست قرار گرفته است. البته ما همین تاب‌آوری را در دوره جنگ تحمیلی هشت ساله تهاجم عراق با پشتیبانی ناتو و ورشو داشته‌ایم. خوشبختانه در جهان چند قلمی امروز دیگر روسیه و چین علیه ملت ما و موافق شکست و یا تجزیه ایران نیستند.



برش



ما مغزهای بسیار توانمند و توانایی داریم؛ آدمیان باوجدانی داریم. حتی رنج‌های تاریخی به ما آموخته است که چگونه از سرمایه‌های خودمان استفاده کنیم. حجم این دفاعیات نظامی که در ایران صورت می‌گیرد و این سلاح‌های پیشرفته‌ای که ساخته شده، همه محصول مغزهای توانای دانشمندان کشور ماست؛ بر آنها باید آفرین گفت. شهید دادند، کشته دادند و محرومیت کشیدند، اما با همه این احوال، این کشور را چنان تقویت کردند که در مقابل دشمنان بایستد و آنها را حیرت‌زده و خیره کند. امیدواریم از این توانایی‌ها بهره‌برداری بهینه بشود تا بتوانیم به یک جامعه توانا و یک جامعه مدنی امید بورزیم و آن را محقق سازیم.»

روایت عبدالکریم سروش از موفقیت‌های ایران در جنگ تحمیلی سوم

جا دارد رزمندگان خود را تحسین کنیم

امروز کوس پیروزی ایرانیان را بر بام جهان می‌نوازند

عبدالکریم سروش، فیلسوف و متفکر ایرانی، در سخنانی با اشاره به شرایط پس از جنگ تحمیلی سوم، با ابراز امیدواری نسبت به آینده کشور، نسبت به ناپایداری این وضعیت و امکان عهدشکنی دشمنان هشدار داد. او گفت: «امیدواریم که کشور ما آینده خوشی در پی داشته باشد، اگر جهان خواران بگذرانند. نسیمی می‌وزد، اما آیا این نسیم پایدار است یا دوباره با پیمان شکنی و بدعهدی پیمان‌شکنان باز خواهد ایستاد؟ ما پیمان‌شکنی و بدعهدی از اینان کم ندیده‌ایم؛ همان‌گونه که قرآن گفته است، هیچ پیمانی را نکه نمی‌دارند، بلکه عهود خود را می‌شکنند.»

سروش، عهدشکنی را از رذیل‌ترین رذایل اخلاقی دانست که بیش از همه در میان

ناجوانمردان دیده می‌شود و افزود: «ما هم از سوءبخت گرفتار این ناجوانمردان و عهدشکنان شده‌ایم.»
این متفکر ایرانی همچنین با اشاره به پیروزی‌های ایرانیان در جنگ تحمیلی سوم و مجاهدت‌های رزمندگان وطن، بر ضرورت تجلیل از آنان تأکید کرد و گفت: «جا دارد که ما رزمندگان خود را تحسین کنیم. امروز کوس پیروزی ایرانیان را همه‌جا بر بام جهان می‌نوازند و من بسیار خشنودم و مفتخرم که چنین وضعی در کشور ما پدید آمد و بحمدالله ایرانیان به زانوی تسلیم درنیامدند و دست، بالا نکردند؛ بلکه سرافرازانه و سربلندانه در مقابل دشمن خونخوار ایستادند و نشان دادند که در مقام دفاع از مکتب و میهن خود، جانانه فداکاری و خونفشان‌می‌کنند و از دادن جان